

## کاربست انتقادی نظریه آمیختگی مفهومی در خوانش «خزائن الهی» در المیزان

احد فرامرز قراملکی\*

مهدی باقری\*\*

### چکیده

فهم معنای «خزائن الهی» با این مسأله روبرو است که چگونه می‌توان نزد خدا (عند الله) خزائنی برای اشیاء تصور کرد؟ خزائن ظرف مکان برای اندوخته‌های مادی نظیر گنج و ثروت و خدا موجودی غیرجسمانی، نامحدود و بدون مکان است. برای پاسخ به این سوال در مقام کشف علت (و نه دلیل) می‌توان از نظریه آمیختگی مفهومی بهره برد؛ کاربرد انتقادی این نظریه نشان می‌دهد با بازسازی برخی سازوکارهای این رویکرد شناختی و توجه به گفتمان قرآنی در فعال نمودن فضای ذهنی «الهی» می‌توان به معانی نوظهور در فضای آمیخته نهایی دست یافت؛ مطابق خوانش المیزان از خزائن الهی، رابطه خزائن الهی و اشیاء، رابطه نامحدود و محدود تلقی شده است؛ از این جهت همچنان می‌توان خزائن الهی را واقعاً خزانه‌هایی برای موجودات دانست و در عین حال عینیت ظرف و مظهر را لحاظ نمود.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، خزائن، فضای ذهنی، معنانشناسی شناختی، آمیختگی مفهومی.

### ۱. مقدمه

از مهم‌ترین دلایلی که فیلسوفان کاربردهای دینی زبان را عمیقاً مورد توجه قرار داده‌اند علاقه آنان به مسأله معنا است. آنان در جستجوی پاسخی برای این پرسش هستند که چگونه با الفاظی که برای سخن گفتن از پدیده‌های مخلوق به کار گرفته می‌شوند می‌توان

\* استاد دانشگاه تهران، دانشکده الهیات (نویسنده مسئول)، ghmaleki@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، Mbagheri95@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۱

به نحوی معنادار در حیطه الوهی سخن گفت. تعالیم ادیان توحیدی بر آنند که خالق غیر از مخلوق است بدین معنا که «بلند مرتبه و والا» است؛ پس چطور می‌توان زبانی را که ناظر به قلمرو متناهی است درباره‌ی خدایی که نامتناهی است به کار گرفت؟ به عنوان مثال هنگامی که از قدرت بینایی، شنوایی و یا «دست» داشتن صحبت می‌کنیم می‌دانیم دقیقاً چه مقصودی داریم؛ اما، با توجه به اینکه چشم و گوش و دست صرفاً مخلوق هستند، بصیر دانستن خدا یا دست داشتن او چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ (پترسون، ۱۳۸۸: ۲۵۴). محمول‌های ایجابی گزاره‌های دینی دو دسته‌اند: ۱. آن‌هایی که مربوط به صفات خاص خدا هستند؛ یعنی صفاتی که صرفاً بر خدا اطلاق می‌شود و هرگز نظیری در مخلوقات ندارد؛ مانند «واجب الوجود» یا «علت العلل». ۲. آن‌هایی که بیانگر ویژگی‌های مشترک میان خدا و انسان است؛ نظیر «مهربان»، «بینا»، «دست داشتن». در گفتمان دینی بیشتر اوصاف دسته دوم مورد توجه است (شیروانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۱-۹۳).

کاربرد قرآنی واژه «خزائن» به تنهایی تعبیری آشنا و از پیش موجود است؛ اما همین واژه در هفت مورد از موارد هشت‌گانه کاربرد قرآنی‌اش، به نحوی به خداوند اضافه شده است؛ تعبیری همچون «خزائن الله»، «خزائن رحمه رب» و «خزائن رب» این پرسش را پیش می‌کشد که چگونه می‌توان نزد خدا (عند الله) خزائنی برای اشیاء تصور کرد؟ خزائن ظرف مکان برای اندوخته‌های مادی نظیر گنج و ثروت و خدا موجودی غیر جسمانی، نامحدود و بدون مکان است. در گفتمان قرآنی، جایگاه خزائن الهی، «عند الله» (نزد خدا) معرفی شده است؛ طبق آیه «ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ باقٍ»<sup>۱</sup> هر چه نزد خداست ثابت و لایزال است؛ پس خزائن خدا امور ثابتی هستند که دچار زوال و تغییر نمی‌شوند؛ از طرفی اشیاء و (خزائن آن‌ها) در این عالم مادی، متغیر و فانی هستند؛ بنابراین، معنای «خزائن الهی» غیر از معنای خزائن انسان‌ها در عالم مشهود ما است.

در دو مقام می‌توان به این مسأله پرداخت: مقام دلیل و مقام علت؛ توضیح آنکه، گاهی مراد از «چرا» طلب دلیل برای تصدیق علمی نسبت به امری است. از آنجا که ادراکات گزاره‌ای، تصدیق و تکذیب‌پذیرند، در مقام اثبات و نه ثبوت، از دلیل یک ادعا می‌پرسیم. اساساً اثبات صدق محتاج بیان ادله و قواعد است؛ به عنوان مثال، کسی ادعا می‌کند «من فروشنده‌ای موفق هستم»؛ می‌پرسیم آیا این ادعا درست است؟ در واقع با روش‌ها و ابزارهای توجیه و استدلال‌آوری به دنبال بررسی صدق ادعای موفقیت هستیم (شاخص‌هایی همچون سودآوری و رضایت خریداران، پاسخ چرای توجیهی است). دومین

مؤلفه «چرا» پرسش از علت تحقق یک امر است؛ یعنی، در مقام ثبوت و تمسک به علل و قوانین، قرار است به تبیین یک امر پردازیم؛ در همان مثال قبل، پاسخ به «چرا شما فروشنده‌ای موفق هستید؟» می‌تواند پاسخ به علل موفقیت و تبیین آن باشد (مهارت برقراری ارتباط، جواب چرا تبیینی است). در مقام دلیل، محققان در راستای توجیه (justification) معناداری زبان قرآن دیدگاه‌هایی ارائه کرده‌اند؛ اما آنچه ما در این تحقیق در پی آنیم پاسخ به چگونگی فهم معنای خزائن الهی در مقام کشف علت است؛ یعنی، چگونه و با کدام سازوکار ذهنی می‌توان حضور اشیاء در «خزائن الله» را به نحوی معنادار درک کرد؟ هرچند ساده‌ترین پاسخ ضمن نظریه استعاره مفهومی قابل ارائه است، ما به سراغ نظریه آمیختگی مفهومی (conceptual blending) به عنوان یکی از عملکردهای نوین معنانشناسی شناختی (cognitive semantics) رفتیم. اگرچه دو نظریه آمیختگی مفهومی و استعاره مفهومی به لحاظ رویکرد کلی شناخت‌گرایی مشابه‌اند، ولی تفاوت‌های اساسی این دو نظریه به اندازه‌ای است که متخصصانی که در قالب هر یک از این دو نظریه به موضوع تبیین معنا می‌پردازند را ناگزیر می‌سازد تا از یک نظریه به نظریه دیگر گریز نزنند (افراشی، ۱۳۹۵: ۱۵۷). ما نیز پس از معرفی نظریه آمیختگی مفهومی به تفاوت‌های این نظریه با نظریه استعاره مفهومی خواهیم پرداخت.

مفهوم «خزائن الهی» را می‌توان آمیخته‌ای از دو فضای ذهنی دانست: یکی «فضای خزائن» و دیگری «فضای الهی». «خزائن الهی» برگرفته از هفت آیه‌ای است که در آن‌ها به نحوی واژه خزائن به خدا نسبت داده شده است؛ با این حال، به طور ویژه به بررسی کاربرد «خزائن» در آیه ۲۱ سوره حجر می‌پردازیم که ضمن آن، برای هر شیئی خزائنی نزد خدا ثابت می‌شود.

تمام این ملاحظات مقدمه‌ای شد برای طرح مسأله اصلی مقاله حاضر، مبنی بر اینکه چگونه نظریه آمیختگی مفهومی می‌تواند ابزاری برای فهم رابطه اشیاء با خزائشان نزد خدا باشد؟ به بیان دیگر، چگونه (در مقام علت و نه در مقام دلیل) می‌توان حضور اشیاء در خزائن الله را فهمید؟ قوت‌ها و رخنه‌های این نظریه در مواجهه با مفهوم مورد بحث کدام‌اند؟

رویکرد مقاله حاضر، کاربست نقادانه نظریه آمیختگی مفهومی است؛ اثرپذیری در یک مطالعه میان‌رشته‌ای پویا دو طرفه است؛ همان‌طور که علم مخدوم قرار است از علم خادم تاثیر پذیرد، علم خادم (در اینجا نظریه آمیختگی مفهومی) نیز در کاربستی خاص ممکن

است تحت تأثیر قرار گیرد؛ چه بسا برخی سازوکارها در نظریه آمیختگی مفهومی در مواجهه با مفهوم‌سازی‌های قرآنی بازسازی شود؛ البته این نتیجه پس از پژوهش‌های نظام‌مند و هدف‌دار در بازه زمانی طولانی مسیر است.

برای پاسخ به مسأله اصلی تحقیق، ابتدا با تحلیل آیه ۲۱ سوره حجر، ارائه فضای آمیخته «خزائن الهی» توسط قرآن کریم را بررسی می‌نماییم؛ همچنین به تحلیل برخی آیات کلیدی به منظور کشف ویژگی‌های فضای «الهی» در قرآن می‌پردازیم. در تمام این بررسی‌ها به تفسیر المیزان مراجعه می‌کنیم؛ از دلایل انتخاب این منبع، اول، تلاش مفسر در بهره‌مندی از روش تفسیر قرآن به قرآن و دوری گزیدن از تفسیر به رأی و «تطبیق» است؛ علامه طباطبایی در مقدمه المیزان می‌نویسد: برای فهم حقایق قرآن و تشخیص مقصود آیه، از نظائر آن آیه کمک گرفته منظور از آیه مورد نظر را بدست می‌آوریم؛ این روشی است که می‌توان آن را تفسیر خواند و خود قرآن آن را می‌پسندد؛ چون اگر قرآن خود را تبیان کل شیء می‌داند چگونه ممکن است که بیان خودش نباشد؟ (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/۱). دلیل دوم انتخاب المیزان این است که مؤلف آن بارها زبان قرآن را غیراستعاری دانسته و بر اساس همین عقیده به تحلیل مفاهیم قرآنی پرداخته است؛ نمونه این مطلب، ذیل آیه ۲۱ سوره حجر و درباره‌ی واژه مورد بحث این تحقیق است؛ نویسنده المیزان پس از رد تفسیر یکی از مفسران مبتنی بر استعاری دانستن تعبیر «خزائن» می‌گوید: تفسیر مزبور در حقیقت ارجاع کلام خدا به یک معنای مجازی و استعاری است و حال آنکه به قول اهل علم مادام که معنای حقیقی ممکن است، نباید کلام کسی را بر معنای مجازی حمل کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰۷/۱۲)؛ با توجه به اینکه گفتیم مسأله اصلی مقاله حاضر در مقام بررسی علت است نه دلیل، نقد ادله علامه در این باره را به مجالی دیگر می‌سپاریم؛ در آخر بر پایه رویکرد شناختی، با کاربست انتقادی نظریه آمیختگی مفهومی، عناصر به‌دست آمده در فضای آمیخته «خزائن الهی» (در مراحل قبل) را تحلیل و نقد می‌کنیم.

## ۲. پیشینه پژوهش

در جستجوهای انجام شده، پژوهشی در مورد کاربست نظریه آمیختگی مفهومی در معناشناسی واژه خزائن مشاهده نشد. در ارتباط با کاربست این نظریه در قرآن کریم، قائمی‌نیا (۱۳۹۰) در کتاب «معناشناسی شناختی» تلاش کرده این نظریه را در مورد آیات قرآن کریم به‌کار بندد و ضمن فصلی با عنوان «تلفیق مفهومی در معناشناسی قرآن» به

بررسی این مبحث پرداخته است (برای نقد این اثر ر.ک: درزی؛ پاکتیچی؛ قراملکی، ۱۳۹۵: ۶۳-۶۴). در زمینه معنانشناسی شناختی واژگان قرآنی، دو پایان‌نامه یافت شد: یگانه (۱۳۹۲) در «بررسی استعاره‌های بهشت و جهنم در ترجمه فارسی قرآن، انجیل و تورات با رویکرد معنی‌شناسی شناختی» اگرچه به تعیین و بررسی استعاره‌های به کار رفته در توصیف بهشت و جهنم پرداخته شده، اما مؤلف در مورد برخی عبارات، برای توضیح مطلب از نظریه آمیختگی مفهومی بهره برده است. همچنین نیلی‌پور (۱۳۹۵) در «معنانشناسی شناختی تقوا در قرآن» ضمن استفاده از چند الگوی معنانشناسی مانند پیش‌نمونه و شبکه شعاعی، دستگاه توجه و پنجره علی، از استعاره‌ها و آمیختگی مفهومی نیز بهره برده است.

در میان پژوهش‌های غیر ایرانی، تصویرسازی‌هایی که در سده‌های نخستین مسیحیت از عهد جدید ارائه شده است، ضمن مقاله‌ای با عنوان «آمیختگی مفهومی و انگاره مسیحیت نخستین» (Conceptual Blending And Early Christian Imagination) بررسی شده است. در این مقاله، مفاهیم بنیادی در عهد جدید مانند معجزه، آخرالزمان و رهبانیت مورد تحلیل قرار گرفته‌اند (نگاه کنید به: Robins, 2007: 161-196).

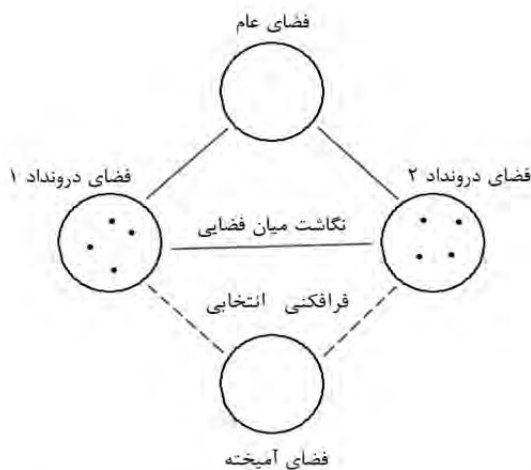
### ۳. مفاهیم اولیه در نظریه آمیختگی مفهومی

پایه‌های نظریه آمیختگی مفهومی در تأملات فوکونیه و ترنر در سال ۱۹۹۳ میلادی آن زمان پی‌ریزی شد که به گفته خودشان، ساختاری مشترک در گستره وسیع ادراک‌های انسانی را کشف کردند (Fauconnier, Turner, 2004: 61) و همین دستمایه‌ای شد تا چند سال بعد، کولسن (۲۰۰۱) به بسط بیشتر این نظریه بپردازد. فوکونیه و ترنر (۲۰۰۴) خلق معنای بدیع را ساختار مشترک بسیاری از ادراک‌های انسانی و البته دستاورد مهم آمیختگی مفهومی می‌دانند؛ اما تأکید دارند این نوظهوری معنایی، وابسته به پیش‌زمینه‌های ذهنی است که در حکم سازه‌هایی استوار در اندیشه‌های انسان عمل می‌کنند. از آن‌جا که فرآیند ادراکی انسان کار خود را از همین سازه‌های پیش‌ساخته ذهنی آغاز می‌کند، این پیش‌زمینه‌های ذهنی به مثابه مواد اولیه برای اندیشه‌ها محسوب می‌شوند. آمیختگی مفهومی، این مواد اولیه را در قالب فضاهای ذهنی آمیخته، در مسیری هدایت می‌کند که در مقیاس انسانی و در ابعادی آشنا برای ذهن بشر، منجر به ساختاری بدیع در ذهن شوند (Fauconnier, Turner, 2004: 85).

آمیختگی مفهومی ضمن مدل شبکه‌ای شرح داده می‌شود. فوکونیه و ترنر شبکه آمیختگی مفهومی (conceptual integration network) را مشتمل بر حداقل چهار فضای ذهنی می‌دانند (Fauconnier, Turner, 2002: 279). فضاهای ذهنی، بسته‌های کوچک ذهنی هستند که هنگام اندیشیدن و سخن گفتن شکل می‌گیرند (Fauconnier, Turner, 2004: 58). اصطلاح مهم دیگر در نظریه آمیختگی مفهومی، نگاشت (mapping) است. مفهوم نگاشت که در اصل از ریاضیات وارد زبان‌شناسی شده، تناظر نظام‌مندی است که ضمن استعاره‌های مفهومی، میان برخی حوزه‌های مفهومی وجود دارد (افراشی، ۱۳۹۵: ۶۷)؛ برای نمونه در عبارت استعاری «فشار مشکلات»، نگاشتی میان حوزه مفهومی نیرو از یکسو و حوزه مفهومی مشکلات از سوی دیگر برقرار شده است (افراشی، ۱۳۹۵: ۱۴۷).

#### ۴. شبکه آمیختگی مفهومی

بررسی علمی آمیختگی مفهومی ضمن الگوی شبکه آمیختگی صورت می‌پذیرد (Fauconnier, Turner, 2004: 60)، که در ساده‌ترین شکل آن، شامل چهار فضای ذهنی است: دو فضای درون‌داد (input spaces) که در حکم ورودی‌های شبکه عمل می‌کنند، فضای عام (generic space) که مبتنی بر وجوه مشترک دو فضای درون‌داد ساخته می‌شود و فضای آمیخته (blended space) که ظهور یک معنای جدید را به نحوی بدیع و پویا به همراه دارد (Fauconnier, Turner, 2004: 60). در شبکه آمیختگی پیشنهادی از سوی فوکونیه و ترنر (۲۰۰۴)، هر فضای ذهنی با یک دایره مجزا و مؤلفه‌ها و عناصر موجود در آن‌ها با نقطه مشخص می‌شوند؛ همچنین نگاشت میان فضاها و فرافکنی انتخابی با خط و خط‌چین نمایش داده می‌شوند. تشکیل این شبکه فرایندی است که طی آن پس از شکل‌گیری فضاهای درون‌داد، نگاشت بین فضاها صورت گرفته و در نتیجه یک فرافکنی انتخابی (selective projection)، فضای آمیخته ایجاد می‌شود. افراشی (۱۳۹۵) در توضیح این شبکه می‌گوید: پس از آنکه در فضای عام مشخص شد دو فضای درون‌داد چه وجوه اشتراکی دارند، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مشترک آن‌ها به فضای عام فرافکن می‌شود به نحوی که حاصل این فرافکنی، درج عناصر جدید معنایی در فضای آمیخته است. فرافکنی انتخابی سبب می‌شود همه عناصر درون‌داد به فضای آمیخته فرافکن نشوند بلکه در این فرایند از میان عناصر متناظر، انتخاب‌های مورد نیاز برای فهم متن صورت می‌گیرد. نمودار ۱، یک شبکه آمیختگی و ارتباط اجزای آن را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. شبکه آمیختگی مفهومی

فوکونیه و ترنر (۲۰۰۴) چهار گونه اصلی برای شبکه‌های آمیختگی تعریف کرده‌اند: شبکه ساده (Simplex) که در آن، یک درونداد شامل یک قالب و درونداد دیگر مشتمل بر چند عنصر خاص معنایی است. گونه بعدی، شبکه آینه‌ای (mirror) است. در این شبکه، یک قالب عمومی میان همه فضاهای شبکه به اشتراک گذاشته می‌شود. نوع دیگر شبکه‌های آمیختگی، شبکه تک‌حوزه‌ای (Single-Scope) است که در آن، قالب‌های تشکیل دهنده دروندادها متفاوتند ولی آمیختگی تنها از یکی از این قالب‌ها بهره می‌برد. آخرین گونه پیشنهادی در این دسته‌بندی چهارگانه، شبکه دوحوزه‌ای (Double-Scope) است که در آن، قالب اصلی از درون هر دو فضای درونداد به کار گرفته می‌شود. آمیختگی دوحوزه‌ای می‌تواند تصادم میان دروندادهایی را که از بسیاری جهات متفاوت و ناسازگارند برطرف نماید؛ به همین دلیل، مورد اخیر از میان سایر انواع شبکه‌های آمیختگی، منبع قدرتمندی برای استنباط‌های خلاقانه قلمداد می‌شود (Fauconnier, Turner, 2004: 60).

## ۵. فشردگی روابط حیاتی در شبکه آمیختگی

یکی از اهداف مهم آمیختگی مفهومی، در جهت منظم نمودن مؤلفه‌های پراکنده یک مفهوم پیچیده، فشرده‌سازی (Compression) آن‌ها در مقیاس قابل فهم برای انسان است؛ فشرده‌سازی که یکی از سازوکارهای مهم شبکه آمیختگی است، به ادراکی فراگیر و دریافتی

جدید در مقیاس انسانی (human scale) منجر می‌شود (Fauconnier, Turner, 2004: 63). توجه به مقیاس انسانی در این سازوکار، مربوط به نگرش بدن‌مندی در ذهن و معناست. اندیشه اصلی در فرضیه بدن‌مندی شناخت، این است که بدن فیزیکی انسان و تجربه حضور آن در محیط، عملکرد ذهن را سمت و سو می‌بخشد و بدین ترتیب درک بدن و تعامل آن با محیط، مبنای استدلال و معنا می‌شود (افراشی، ۱۳۹۵: ۲۹-۳۰).

برخی روابط مفهومی مانند روابط زمانی، مکانی و روابط علی و معلولی، ضمن فرایند فشردگی معنای خود را نشان می‌دهند. فوکونیه و ترنر تمام این روابط را روابط حیاتی (vital relations) می‌نامند (Fauconnier, Turner, 2004: 63). به بیان دقیق‌تر، این که ما یک مضمون ساده را با یک ساختار ساده، و یا یک مضمون پیچیده را با ساختاری پیچیده نشان دهیم کار سختی انجام نداده‌ایم ولی آمیختگی می‌تواند یک فشردگی عظیم را در مورد معانی پیچیده اجرا نموده و در عین حال آن را در یک ساختار ساده به نمایش بگذارد. این فشردگی از طریق وام‌گیری روابط درون‌حوزه‌ای (inner-space relations) از یک فضای درونداد انجام می‌گیرد تا بعد از آن، زنجیره طولانی و پراکنده علت و معلولی (یا زمانی، مکانی و غیره) در فضای درونداد دیگر فشردگی شود (Fauconnier, Turner, 2004: 68-69).

## ۶. فرایندهای ساخت معنای جدید در نظریه آمیختگی مفهومی

فوکونیه و ترنر (۲۰۰۴) سه گونه اصلی برای فرایند فراقکنی مؤلفه‌های مشترک فضاهای درونداد و در نتیجه، درج معنای جدید در فضای آمیخته معرفی کرده‌اند که ما ضمن ارائه مثال مشهور «مسابقه قایق‌رانی» یا «ریگاتا» (regatta) به شرح آن‌ها خواهیم پرداخت. در یک مسابقه قایق‌رانی در سال ۱۹۹۳، یک قایق مدرن از سانفرانسیسکو به سمت بوستون در حال حرکت است؛ هدف، شکستن رکورد کشتی تندرویی است که همین مسیر را در سال ۱۸۵۳ طی نموده است. گزارش یک مجله دریانوردی از این ماجرا بدین شرح است:

ویلسون و بوینگا چهار روز و نیم از شب کشتی تندروی «پرتو شمالی» جلو افتادند و در حال ثبت رکورد تازه‌ای هستند، در ۱۸۵۳ کشتی تندرو همین مسیر را در هفتاد و شش روز و هشت ساعت طی نموده بود.

به طور کلی دو واقعه در این ماجرا رخ داده است: یکی حرکت کشتی تندرو در سال ۱۸۵۳ و دیگری حرکت قایق مدرن در سال ۱۹۹۳ که البته مسیر حرکت هر دو یکسان



است. در گزارش مجله، هر دو حرکت در یک واقعه واحد ادغام شده‌اند: «مسابقه‌ای میان قایق مدرن با «شیخ» کشتی تندرو!» این دو حرکت به دو فضای ذهنی درونداد مربوط می‌شوند که این فضاها جنبه‌های مربوط به فضای «کشتی‌رانی» را نشان می‌دهند: سفر دریایی، نقطه عزیمت و نقطه پایان مسیر، زمان سفر، قایق‌ها و موقعیت‌های مختلف آن‌ها در زمان‌های مختلف. این دو رویداد، میزان زیادی از ویژگی‌های موجود در قالب‌های طرح‌واره‌ای را در مسیر سانسفرانسيسكو به بوستون با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. حاصل این اشتراک، یک فضای عام است که در واقع مرتبط کننده دو فضای درونداد محسوب می‌شود. فرایند آمیختگی نیز شامل نداشت میان دو فضای درونداد و فرافکنی انتخابی از میان این دو برای ساخت فضای چهارم است: یعنی «فضای آمیخته» (Fauconnier, Turner, 2004: 58).

یکی از فرایندهای ساخت معنای نوظهور که توسط فوکونیه و ترنر پیشنهاد شده، فرایند ترکیب (composition) است؛ آمیختگی می‌تواند با ترکیب مؤلفه‌ها و ویژگی‌های موجود در هر یک از دروندادها، روابطی را ایجاد کند که در ملاحظه هر یک از دروندادها به تنهایی یافت نمی‌شود. در این مثال، توسط نگاشت بین فضاها درونداد قایق مدرن و کشتی تندرو، «حرکت توأمان قایق‌ها» ساخته و پرداخته می‌شود (Fauconnier, Turner, 2004: 58)؛ این مفهوم جدید، حاصل ترکیب حرکت قایق در زمان الف با حرکت کشتی در زمان ب است به نحوی که می‌توان هر دو را با هم تصور کرد.

فرایند دیگر مؤثر در ساخت معنای نوظهور، فرایند تکمیل (completion) است. این فرایند حاصل دخالت ناخودآگاه قالب‌های پیش‌زمینه در آمیختگی است و از این جهت نسبت به فرایند ترکیب، مؤلفه‌های بیشتری را در فضای آمیخته تولید می‌کند. در مثال اخیر، فرایند تکمیل این امکان را به ما می‌دهد که موقعیت مجزای قایق و کشتی در دو زمان مختلف را در یک فضای آمیخته جدید به صورت یک مسابقه واحد میان آن دو قلمداد کنیم؛ در این فرایند، طرح‌واره‌های اندوخته و قالب‌های مربوط به «مسابقه» برانگیخته می‌شوند تا به تکمیل مؤلفه‌های فرافکن شده از دروندادها پردازند. قالب پیش‌زمینه در این مثال عبارت است از: «حرکت دو قایق در یک مسیر در مسابقه قایق‌رانی» (Fauconnier, Turner, 2004: 60).

فرایند آخر پیشنهادی، فرایند بسط (elaboration) است که به تعبیر فوکونیه و ترنر (۲۰۰۴)، آمیختگی را به راه انداخته و سبب می‌شود آمیختگی مفهومی به صورت یک

شبیه‌ساز عمل کند. در مثال مورد بحث، عبارت «شبح کشتی» به وضوح از فرایند بسط و به راه افتادن آمیختگی خبر می‌دهد؛ چراکه با تداوم فرایند آمیختگی و ساخت مفهوم «شبح کشتی»، در واقع ماجرا را فرازمانی انگاشته‌ایم؛ بدین ترتیب یک موقعیت خویشاوندی میان قایق مدرن و کشتی تندرو و عملکردشان برقرار می‌گردد (Fauconnier, Turner, 2004: 59). 60 تصویر پیش‌افتادن قایق از روح کشتی، نمونه فرایند بسط در به راه انداختن خلاقانه و پویای آمیختگی است.

ارتباط فضای آمیخته با فضاهای درون‌داد، بوسیله نگاشت‌ها پابرجا می‌ماند تا جایی که می‌تواند منجر به کسب اطلاعات از فضاهای درون‌داد گردد؛ به عنوان مثال ضمن آمیختگی دریافته‌ایم قایق تندرو در سال ۱۹۹۳ با سرعتی بیشتر از سرعت کشتی تندرو در سال ۱۸۵۳ حرکت کرده و میزان این اختلاف سرعت نیز به اندازه چهار روز و نیم است. حتی می‌توانیم هیجانانگیز و عواطف خدمه کشتی تندرو را مبتنی بر شبیه‌سازی این هیجانانگیز در قالب «مسابقه» توضیح دهیم (Fauconnier, Turner, 2004: 59). بر این اساس، معنا نه فقط در فضای آمیخته، بلکه در همه فضاهای درون‌داد و فضای عام در حال بروز و ظهور است.

در تحقیق حاضر با رویکرد معناشناسی شناختی کاربردی، به کاربست انتقادی نظریه آمیختگی مفهومی در تحلیل کاربرد قرآنی خزائن خواهیم پرداخت. در واقع سعی ما بر این است که به جای رویکردی کلیشه‌ای و تطبیق نظریه با آیات، به یک مطالعه میان‌رشته‌ای دینامیک پردازیم.

## ۷. تفاوت‌های نظریه آمیختگی مفهومی و نظریه استعاره مفهومی

تفاوت‌های اصلی میان دو نظریه آمیختگی مفهومی و استعاره مفهومی را می‌توان در تفاوت فضاهای ذهنی و حوزه‌های مفهومی توضیح داد؛ استعاره‌ها بر مبنای نگاشت بین حوزه‌های مفهومی شکل می‌گیرند و آمیختگی‌های مفهومی بر مبنای نگاشت میان فضاهای ذهنی. برای آنکه نشان دهیم به‌کارگرفتن حوزه مفهومی در استعاره و فضای ذهنی در آمیختگی مفهومی صرفاً اقتضای نظریه پرداز و استفاده از الفاظی متفاوت برای مفاهیم کمابیش مشابه نیست، به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها می‌پردازیم.

فضاهای ذهنی مفهوم‌سازی‌هایی را شامل‌اند که توسط گوینده زبان در بافت‌های مشخص به مقاصد مشخص درج می‌گردند؛ یعنی بسیار کوچک‌تر و خاص‌تر از یک حوزه مفهومی که جنبه‌های گوناگونی از تجربه را که مفهوم‌سازی شده‌اند در برمی‌گیرد؛ در نتیجه

فضای ذهنی معمولاً مبتنی بر بیش از یک حوزه مفهومی شکل می‌گیرد (افراشی، ۱۳۹۵: ۱۴۶). آنچه مهم است ارتباطی است که میان آگاهی‌های از پیش‌اندوخته مخاطب (اعم از حوزه‌های مفهومی گوناگون) با شکل‌گیری فضای ذهنی وجود دارد؛ همین ایده باعث اهمیت یافتن اصطلاح قالب (frame) در آمیختگی مفهومی شده است؛ دو اصطلاح «قالب» و «حوزه مفهومی» در این مشترک‌اند که به دانش ساخت‌مند در مورد هر مفهوم زبانی دلالت می‌کنند و زمینه را برای تعبیر معنا فراهم می‌آورند؛ لیکن کاربرد نظریه «قالب‌های معنایی» در دستورشناختی و «حوزه مفهومی» در نظریه استعاره و مجاز نشان می‌دهد این مفاهیم بسته به کاربردشان در برخی ظرائف تفاوت دارند (نک: افراشی، ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۵۲). قالب‌ها تشکیلاتی طرح‌واره‌ای از آگاهی‌های اندوخته هستند که اغلب به تجربه‌ها یا دانسته‌های فرهنگی و اجتماعی ذخیره شده در ذهن مربوط می‌شوند؛ مثال ساده برای توضیح قالب، قالب «تأمین سوخت» است (Fauconnier, Turner, 2004:60)؛ این قالب در ارتباط با فضای ذهنی یک فرد ایرانی هنگام درک مفهوم «بنزین زدن»، می‌تواند شامل مؤلفه معنایی «کارت سوخت» یا «بنزین معمولی» باشد حال آنکه همین قالب در ارتباط با فضای ذهنی یک شهروند فرانسوی ممکن است دارای ویژگی‌های دیگری باشد. می‌توان گفت قالب‌ها زمینه‌ای برای فعال شدن فضاها یا ذهنی محسوب می‌شوند. پیش‌تر گفتیم قالب‌ها چه جایگاهی در شبکه آمیختگی مفهومی دارند.

## ۸. تحلیل مفهوم «خزائن الهی» در قرآن

واژه خزائن در هشت موضع در قرآن کریم به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق: ۲۳۱). جدول ۱ به طور خلاصه کاربرد این واژه در آیات هشت‌گانه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مواضع کاربرد «خزائن» در قرآن

ردیف	سوره	آیه	متن آیه
۱	انعام	۵۰	قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ...
۲	هود	۳۱	وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ...
۳	یوسف	۵۵	قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ
۴	حجر	۲۱	وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ...

۵	اسراء	۱۰۰	قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي...
۶	ص	۹	أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّيَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ
۷	طور	۳۷	أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّيَ أَمْ هُمُ الْمُصِيطِرُونَ
۸	منافقون	۷	...وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...

این جدول نشان می‌دهد «خزائن» در هفت موضع به نحوی به ذات خداوند یا صفات او اضافه شده است؛ هرکدام از این آیات مبتنی بر مفاد خود، مفهوم «خزائن خدایی» یا «خزائن الهی» را به مخاطب معرفی می‌نماید؛ می‌توان در عبارت «خزائن الهی»، فضای خزائن را فضای درونداد اول و فضای الهی را فضای درونداد دوم قلمداد کرد چراکه عبارت «خزائن الهی» در برداشت ابتدایی نیز، از نوعی تناظر میان عناصر موجود در فضای خزائن و فضای الهی خبر می‌دهد.

### ۱.۸ تحلیل فضای آمیخته: «خزائن الهی»

گفتیم مسأله این تحقیق به طور خاص حول مفاد آیه ۲۱ سوره حجر است؛ بنابراین، ابتدا به تحلیل مفهوم «خزائن الهی» در این آیه و بر پایه تفسیر المیزان می‌پردازیم؛ در این آیه، فضای الهی در ارتباط با فضای خزائن، به گونه‌ای معرفی می‌شود که زمینه برای ایجاد فضای عام فراهم شده و بدین ترتیب تناظرها و نگاشت‌ها شکل گیرند.

بر اساس ظاهر عبارت «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا...» در آیه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»<sup>۱</sup> (حجر/۲۱) و با در نظر داشتن عمومیتی که از سیاق نفی در آن استفاده می‌شود، و نیز با در نظر گرفتن تأکیدش بر کلمه «مِنْ»، نتیجه مهمی به دست می‌آید: مفهوم خزائن، تمامی موجوداتی را که اطلاق «شیء» بر آنها صحیح باشد دربرمی‌گیرد؛ بنابراین، معنای ظاهری این آیه می‌گوید: همه موجودات جهان، خزائنی نزد خدا دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰۹/۱۲). در همین آیه عبارت «مَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» و هم‌نشینی آن با «عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» نیز بیان‌گر رابطه تقابلی مهمی است؛ این تقابل نشان می‌دهد خزائن نزد خداوند، نسبت به شیء تنزل یافته، بی حد و اندازه و بدون قدر است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۲). توجه به ظاهر آیه این معنا را افاده می‌کند که نزول هر شیء همراه با قدر و حدی است که غیر قابل انفکاک از وجود آن شیء است و این قدر چیزی است که به وسیله آن، هر موجودی متعین، و متمایز از غیر خود می‌شود. پس ایجاد و خلق شیء، همان نزول آن

شیء از خزائن اش است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۰/۱۲). جمله «عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنَزِّلُهُ» این معنا را اثبات می‌کند که هر چیزی قبل از نزولش به این عالم و استقرارش در آن، خزینه‌هایی نزد خدا دارد و «قدر» مربوط به بعد از آن خزینه‌ها و همدوش نزول است؛ نتیجه این که هر چیزی قبل از نزول، مقدر به قدر و محدود به حدی نیست؛ در نتیجه، خزائن اشیاء همان وجود بدون حد و اندازه آن‌هاست (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۲/۱۲)؛ به بیان دیگر، رابطه خزائن اشیاء با اشیاء، رابطه نامحدود و محدود است؛ طبق این خوانش، اگر همچنان خزائن اشیاء را ظرفی برای اشیاء بدانیم، تمایز میان ظرف و مضمون مربوط به حدود و امور عدمی است.

## ۲۸ فضای درونداد اول: «فضای خزائن»

واژه خزائن، جمع «خزانه»، و خزانه نیز اسم مکان برای ریشه «خزن» است. این واژه قرآنی به تنهایی و بدون اضافه به فضای الهی، معنایی از پیش موجود دارد؛ از این روی برای دانستن معنای عرفی آن (با توجه به عملکرد آن در فضای درونداد اول در شبکه آمیختگی مفهومی)، به بررسی افتراق‌ها و اشتراک‌های معنای این واژه در میان فرهنگ لغات بسنده می‌کنیم: الف) ثروت (مانند پول و جواهر) انباشته (یا پنهان شده) یا محل آن؛ ج) پنهان کردن، مخفی نگاه داشتن هر امر گران‌بها به جهت جلوگیری از فاش شدن؛ د) ذخیره کردن هر چیز به منظور حفاظت و صیانت؛ ه) پنهان کردن امر مادی (پول) یا معنوی (سر و راز) به منظور حفاظت و صیانت (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ذیل «خزن»؛ ازهری، ۱۴۲۱ق: ذیل «خزن»؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ذیل «خزن»؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ذیل «خزن»؛ زمخشری، ۱۹۷۹م: ذیل «خزن»؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ذیل «خزن»؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق: ذیل «خزن»؛ شیبانی، ۱۹۷۵م: ذیل «خزن»؛ ابن درید، ۱۹۸۸م: ذیل «خزن»؛ جوهری، ۱۳۷۶ق: ذیل «خزن»)؛ بنابراین بخشی از فضای ذهنی «خزائن»، مشتمل است بر مؤلفه‌های معنایی مذکور، که حاصل تجربیات انسانی در مواجهه با کاربرد «خزائن» در جهان فیزیکی و حیات زمینی بوده است.<sup>۳</sup> آنچه ما از واژه‌نامه‌ها به عنوان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های قالب خزائن به دست آوریم، در بررسی‌های دقیق‌تر، باید با مطالعات قومی، فرهنگی و انسان‌شناسی تکمیل گردد که البته پرداختن به آن، از حوصله این مقاله خارج است؛ ضمن اینکه، قالب خزائن حتی امروزه نیز قالب آشنایی است: «دارایی‌های یک شخص، حکومت یا سازمان مرکزی، که در ظرفی خاص، پنهان و حفاظت شده و بر حسب مورد، به مصارف گوناگون می‌رسد»؛ بنابراین، رابطه خزانه هر

چیز با آن چیز، رابطه ظرف و مظروف است به گونه‌ای که مظروف تمایز حقیقی با ظرف دارد.

### ۳۸ فضای درونداد دوم: «فضای الهی»

با توجه به نقش فضاهای ذهنی در فرایند آمیختگی مفهومی، فضای الهی همان دانش ما درباره جهان مربوط به «ربوبیت» و هر آن چیزی است که در ارتباط با عوالم الهی می‌شناسیم؛ اگر عناصر معنایی این فضا را بر پایه طرح‌واره‌های از پیش موجود ذهنی قرار دهیم که نه بر اساس بافت قرآنی بلکه بر مبنای آموزه‌ها و انگاره‌های جهان‌های زیسته مخاطب است، آنگاه از گفتمان قرآن دور افتاده‌ایم. به نظر می‌رسد در دست‌یابی به عناصر موجود در فضای آمیخته «خزائن الهی» در قرآن کریم، منبع کارآمد برای کشف ویژگی‌ها و مؤلفه‌های فضای الهی، خود قرآن کریم است. برای این منظور به تحلیل برخی آیات کلیدی در این زمینه می‌پردازیم. بر پایه آیه صد و هفتم سوره بقره، مُلک و فرمانروایی تمام آسمان‌ها و زمین از آن خدا است (أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ<sup>۴</sup> (بقره/۱۰۷)). از حصری که در صدر آیه وجود دارد چنین برمی‌آید که ملک مطلق و تصرف مطلق در جهان تنها از آن خدا است. یعنی وقتی ملک آسمان‌ها و زمین از آن خدای سبحان باشد پس او می‌تواند به هر نحوی که بخواهد در ملکش تصرف کند، و غیر خدا هیچ سهمی از مالکیت ندارد؛ اگر هم به استقلال ظاهری خود که او به ما تفضل کرده بنگریم - با اینکه در حقیقت استقلال نیست، بلکه عین فقر است به صورت غنا، و عین تبعیت است به صورت استقلال - با این حال می‌بینیم با داشتن این استقلال، بدون اعانت و یاری او نمی‌توانیم امور خود را تدبیر کنیم (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۸۰/۱). بنابراین، طبق این آیه (و آیات مشابه آن)، فضای الهی به گونه‌ای شکل می‌گیرد که در آن، فرمانروایی حقیقی تمام عالم مختص خداوند شده به طوری که غیر خدا در هیچ یک از امور خود استقلال ندارد.

یکی دیگر از ویژگی‌های فضای الهی معرفی شده از سوی قرآن کریم، انحصار خلق و ایجاد در «الله» تعالی است. قرآن کریم در موارد متعددی، ذات خدا را خالق تمام جهان معرفی نموده است (نگاه کنید به: انعام/۱۰۲؛ رعد/۱۶؛ زمر/۶۲؛ غافر/۶۲؛ فاطر/۳). یکی از این موارد، عبارت «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»<sup>۵</sup> (رعد/۱۶) است که طبق آن، خدای تعالی در خالقیتش واحد است و شریکی ندارد، و این به خاطر وحدت خاص

اوست که بر هر عدد و کثرتی قاهر است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۴۶/۱۱). پس می‌توان گفت در فضای الهی مورد بحث، «الله تعالی، خالق همه موجودات است همان‌گونه که ربوبیت تمام موجودات نیز تنها از آن اوست.

اما در کنار «خلق»، «امر» نیز از آن خداست («أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» (اعراف/۵۴))؛ امر دو ویژگی دارد: یکی اینکه امر، همان ایجاد است و ایجاد هم عبارت است از وجود هر چیز، البته نه از هر جهت بلکه وجود هر چیز از جهت استنادش به خدای تعالی و با قطع نظر از اسباب وجودی؛ ویژگی دوم نیز این است که «امر»، عاری از تدریج، و خارج از حیطه زمان و مکان است و از این جهت امر خدا و قول او شمرده شده است. پس امر در فضای الهی، عبارت است از وجود ملکوتی و غیر مادی هر موجود از این نقطه نظر که واحد و غیر تدریجی بوده و فقط مستند به ذات خدا است، و خلق، عبارت است از وجود همان موجود از جهت اینکه مستند به خدای تعالی است متاهی با وساطت علل و اسباب (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۷۳/۱۳).

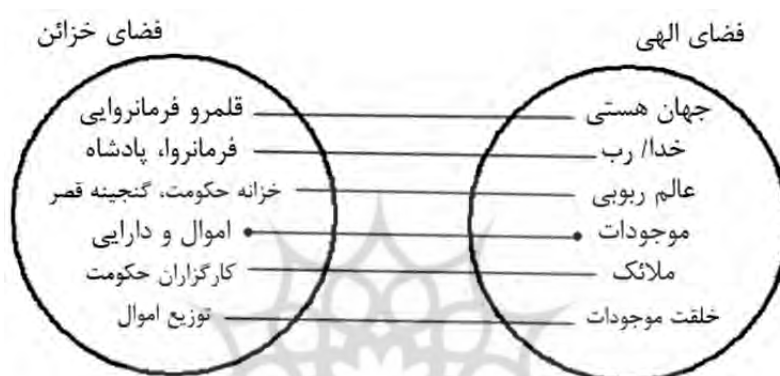
آنچه ما از عناصر موجود در فضای الهی بدان پرداختیم، بر اساس تحلیل فضای «خزائن الهی» بر پایه خوانش المیزان است؛ هرچند قالبی که «فضای الهی» در بستر آن شکل می‌گیرد، به ویژه برای مخاطب قرآنی، قالب آشنایی است: «خدای یگانه، خالق همه موجودات عالم است به نحوی که همه این مخلوقات در فرمانروایی او و تحت ربوبیت او قرار دارند و او بر خلق و امر آنان احاطه دارد».

## ۹. فرایند ساخت معانی نوظهور در فضای «خزائن الهی»

فضای «خزائن الهی»، فضایی است آمیخته از مؤلفه‌های هر یک از دو فضای درونداد «خزائن» و «الهی»؛ در این فضا، ویژگی‌های معنایی نوظهوری به وجود آمده است. در ادامه به بررسی این معانی ضمن فرایندهای سه‌گانه ترکیب، تکمیل و بسط می‌پردازیم.

فرایند ترکیب عناصر از فضای درونداد اول و فضای درونداد دوم سبب شده برخی عناصر موجود در فضای خزائن همراه با عناصر موجود در فضای الهی درک شود. زمینه این ترکیب عناصر از دو فضای درونداد، عناصر مشترکی است که در فضای عام حاضر شده‌اند: میان فرمانروای یک حکومت مرکزی، با خداوند به عنوان مالک و رب جهان هستی، نگاشت برقرار شده است؛ کشور یا قلمرو فرمانروایی با جهان هستی در تناظر قرار گرفته و بر همین اساس، نگاشت میان وجود مخلوقات و اموال و دارایی‌ها برقرار شده

است. همین‌جا ذکر این نکته لازم است که برقراری نگاشت میان این دو فضا هرگز به منزلهٔ مثل و نظیر قرار دادن برای خداوند نیست بلکه این نگاشت بخشی از فرایندی است که در نهایت و پس از فرافکنی انتخابی و سازوکارهایی همچون چشم‌پوشی (ignore)، به معانی نوظهور در فضای جدید منجر می‌گردد. نمودار ۲ نگاشت میان عناصر موجود در دو فضای درونداد را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. نگاشت میان عناصر فضای خزائن و فضای الهی

بر پایهٔ خوانش المیزان هر شیء پیش از مقدر شدن به حدودی که عین موجودیت شیء می‌باشد، در خزائنش نزد خدا موجود است؛ این مطلب نشان می‌دهد عنصر «اموال و دارایی» (مظروف خزائن انسانی) از فضای اول می‌تواند با عنصر «موجودات» (مظروف خزائن الهی) از فضای دوم متناظر شود تا این دو عنصر از دو فضای درونداد مجزا با هم ملاحظه شوند. این ملاحظهٔ مشترک، نتیجهٔ فرایند ترکیب دو عنصر از دو فضای درونداد است.

در مرحله بعد و ضمن فرایند تکمیل، اطلاعاتی از طرح‌واره‌های پیش‌زمینه‌ای، ترکیب مورد بحث را کامل می‌کنند. برای مثال پیش از این دیدیم در فضای الهی (طبق خوانش المیزان) تمام موجودات ملک طلق خداوند محسوب می‌شوند؛ در قالب خزائن نیز خزانه‌های ثروت و دارایی، تحت تصرف فرمانروا یا مالک خزائن‌اند؛ در تکمیل اطلاعات، اطلاعات مربوط به امر خدا یا وجود ملکوتی موجودات نزد حق به ترکیب قبلی اضافه



می‌شود؛ همچنین، داده‌های پیش‌زمینه‌ای مربوط به وجه خلقی موجودات که مربوط به وجود تدریجی و مادی آن‌هاست، به تکمیل فرایند مربوط می‌انجامد.

در نهایت، فرایند بسط، موتور محرک آمیختگی را به کار انداخته و با ایجاد یک پویایی خلاقانه، ساختار نوظهور را در فضای آمیخته پدید می‌آورد؛ در نتیجه این تحرک پویا می‌توانیم درکی از مخلوقات خالق، به مثابه ملک و دارایی او داشته باشیم؛ اشیاء مشهود ما در عالم خلق، اگرچه به واسطه اسباب و علل و به صورت تدریجی پدید آمده‌اند؛ اما، همین اشیاء نزد خداوند وجودی ملکوتی و غیرتدریجی دارند که در خزانه خالق موجودند؛ از این روی، از یک حیث نزد خدا و در خزائن الهی حاضرند و از حیثی دیگر، متعین، محدود و در عالم خلق‌اند؛ با این بیان که اموال و دارایی‌های یک قلمرو حکومتی، همواره در خزانه‌ای نزد حاکم موجود است که تقسیم آن میان مردم، محدود کردن و مقدر نمودن آن است. باید توجه داشت همانگونه که فوکونیه و ترنر (۲۰۰۴) نیز اذعان دارند، در فضای آمیخته جدید همواره معانی کمتر یا بیشتری نسبت به فضاها درونداد اولیه به دست می‌آید و این نتیجه صرف نظر کردن (ignore) از برخی مؤلفه‌ها در فضاها درونداد است (Fauconnier, 2004: 70-71)؛ در مورد فضای آمیخته «خزائن الهی» نیز از برخی ویژگی‌های خاص جهان مشهود در فضای اول صرف نظر شده است؛ «چشم‌پوشی»، خود بخش مهمی از فرایند معناسازی در آمیختگی است؛ برای نمونه، فضای ذهنی «الهی» برخاسته از گفتمان قرآنی (بر پایه خوانش المیزان) به ما می‌گوید: امر و خلق دو حیثیت از یک وجود است و از این نظر، وجود ملکوتی اشیاء در خزائن الهی، مرتبه‌ای دیگر از وجود خلقی اشیاء است؛ در حالیکه وجود اموال و دارایی‌ها در فضای خزائن، غیر از وجود خزانه است. این نوع خاص از «چشم‌پوشی» در فضای آمیخته «خزائن الهی» را می‌توان «فرایند تنزیهی» نامید.

فهم این معنا که رابطه اشیاء با خزائنشان نزد خدا رابطه محدود و نامحدود است، ضمن سازوکار فرافکنی انتخابی، فرایند چشم‌پوشی و سازوکار فشرده‌سازی روابط پیچیده میان «امر» و «خلق» در فضای آمیخته پدید آمده است؛ این معنا در هیچ‌یک از فضاها درونداد «خزائن» و «الهی» به تنهایی یافت نمی‌شود؛ فرایند خاص فشرده‌سازی در مفهوم‌سازی «خزائن الهی» را می‌توان «فشرده‌گی هستی‌شناختی» نامید که ضمن آن، رابطه «نامحدود» و «محدود» در مقیاس رابطه «خزانه حاکم» و «اموال توزیع شده» دریافت شده است. توجه به این نکته نیز مهم است که ظهور معنا تنها در فضای آمیخته رخ نمی‌دهد بلکه سبب می‌شود

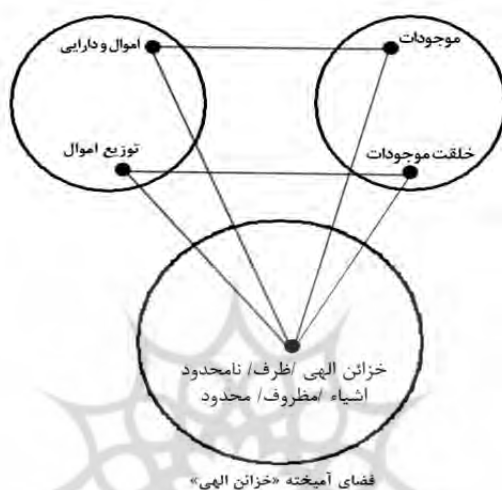
به درک تازه‌ای از معانی موجود در فضای الهی نیز دست یابیم؛ یعنی، درک ما از رابطه امر با خلق بازسازی می‌شود.

معنای نوظهور می‌تواند از مسیر دیگری فرافکن شود و آن، نگاشت میان عنصر «توزیع اموال» از فضای اول با عنصر «خلقت موجودات» از فضای دوم است. گفتیم خلقت و ایجاد موجودات در فضای الهی، همان تنزل از خزائن بی‌حد و بی‌اندازه آن‌هاست؛ یعنی نوعی «فرو افتادن» از مرتبه بالاتر و در نتیجه، محدود شدن به حدود و مقادیر. از سوی دیگر در فضای خزائن، تشکیلات حکومتی از جمله خزانه‌داری، از لحاظ قدرت در جایگاهی بالاتر از عوام قرار دارد؛ در نتیجه توزیع دارایی‌ها از خزانه، نوعی سرازیر شدن ثروت سوی مردم و محدود شدن به مقادیر مختلف محسوب می‌شود. به بیان دیگر، (بر مبنای خوانش المیزان) اشاره به تنزل اشیاء و اینکه این تنزل، عین ایجاد آن‌هاست، با نگاشت میان «خلقت موجودات» و «توزیع دارایی‌ها از خزانه حکومت» در ارتباط است.

در مرحله تکمیل، اطلاعات پیش‌زمینه‌ای به فضای آمیخته فرافکن می‌شود: برای نمونه، در فضای «خزائن»، ثروت از یک منبع واحد عظیم نزد فرمانروا و به فرمان او میان مردم تقسیم می‌شود و هر کس سهمی از این خزائن می‌برد. با توجه به ویژگی‌هایی که قرآن از هر آنچه «عند الله» است بیان نموده، خزائن نزد خداوند از جنس گنجینه‌های محدود به مکان و زمان نیست؛ اینکه با برداشت از خزانه حکومتی، در واقع چیزی از آن کم می‌شود از مواردی است که در فرایند آمیختگی از آن چشم‌پوشی می‌شود؛ دانش پیش‌زمینه‌ای (بر پایه متن قرآنی) به ما می‌گوید: در فضای الهی، با تنزل از خزائن الله، چیزی از دارایی‌های الله کاسته نمی‌شود.

سرانجام در فرایند بسط، معنای جدید با ایجاد پویایی و تحرک در آمیختگی به فضای آمیخته فرافکن می‌شود: معنای نوظهور در فضای «خزائن الهی» عبارت است از اینکه موجودات، نوعی ثبوت پیش از ایجاد نزد خداوند دارند. این ثبوت، نوعی وجود جمعی واحد در مرتبه بالاتر است که نسبت به موجودیت تک تک اشیاء، بی‌حد و بی‌اندازه محسوب می‌شود؛ یعنی وجود خزائن اشیاء (ظرف) مرتبه‌ای از وجود اشیاء (مظروف) قلمداد شده است؛ این معنا، بیان دیگری است از اینکه رابطه خزائن اشیاء با اشیاء، رابطه نامحدود با محدود است.

در نمودار ۳، فرافکنی معنای جدید به درون فضای آمیخته نشان داده شده است. چنانکه در این نمودار می‌بینیم قالب اصلی از درون هر دو فضای درون‌داد به‌کار گرفته شده است، بنابراین شبکه آمیختگی «خزائن الهی»، نمونه‌ای از یک شبکه دوحوزه‌ای است.



نمودار ۳. فضای آمیخته «خزائن الهی»

#### ۱. نقد کاربست نظریه آمیختگی مفهومی در معناشناسی «خزائن الهی»

۱. مطابق نظریه آمیختگی مفهومی، پیش‌زمینه‌های ذهنی به مثابه مواد اولیه برای اندیشه‌ها محسوب می‌شود و همین امر منجر به فعال شدن فضاهای ذهنی می‌گردد؛ در معناشناسی شناختی «خزائن الهی»، اگر تشکیلات طرح‌واره‌ای از آگاهی‌های اندوخته در فضای ذهنی «الهی» برگرفته از بافتی غیر از متن قرآنی باشد، آنگاه با خطر تفسیر به رأی یا «تطبیق» مواجه هستیم؛ در واقع، حساسیت موضوع نه در فضای درون‌داد اول (فضای ذهنی «خزائن») بلکه در ارتباط با فضای ذهنی «الهی» مطرح است؛ اگر فضای ذهنی «الهی» بر اساس اندوخته‌های ذهنی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی فعال شود، آنگاه می‌توان به بررسی معانی نوظهور حقیقی در فضای آمیخته نهایی پرداخت. در این راستا خوانش صحیح مخاطب از گفتمان قرآنی اهمیت فراوان دارد.

۲. سازوکار «فشرده‌سازی» در نظریه آمیختگی مفهومی به طور ویژه در مورد فضای آمیخته «خزائن الهی» کارکردی خاص دارد. روابط حیاتی (vital relations) ضمن شکل‌گیری فضای آمیخته «خزائن الهی» می‌توانند تحت «فشرده‌سازی هستی‌شناختی» در مقیاس قابل فهم انسانی بازنمایی شوند؛ روابط پیچیده هستی‌شناختی میان نامحدود و محدود در یک مقیاس قابل فهم انسانی فشرده‌سازی می‌شود.

۳. سازوکار «چشم‌پوشی» در مورد خوانش «خزائن الهی» در المیزان صرفاً یک صرف نظر کردن (ignore) بدون مبنا نیست؛ به نظر می‌رسد در این مورد خاص، فعالیت چشم‌پوشی از برخی عناصر معنایی در فضای «خزائن»، تنزیهی باشد؛ از طرفی، مفهوم قرآنی «خزائن» مفهومی از پیش موجود است و از این جهت با مفهوم «خزائن انسانی» مشترک معنوی است؛ از طرف دیگر، فرایند تنزیهی سبب می‌شود از بسیاری از نقایص جنبه‌های جسمانی خزائن انسانی صرف نظر شود؛ خزائن انسانی و خزائن الهی در مفهوم ظرفیت مشترک‌اند؛ در عین حال، خزائن انسانی از مطروف خود متمایز است ولی خزائن الهی با مطروف خود عینیت دارد. سازوکار «چشم‌پوشی» در ارتباط با فضاهای ذهنی فعال شده توسط پیش‌زمینه‌های غیر قرآنی، می‌تواند به هر یک از دو ورطه تشبیه یا تعطیل افتد.

## ۱۱. نتیجه‌گیری

در شبکه آمیختگی مفهومی، فرایند «فرافکنی انتخابی» با انتخاب عناصر موجود در فضاهای ذهنی، معانی نوظهور را در فضای آمیخته فرافکن می‌کند؛ این مفهوم‌سازی برخلاف نظریه استعاره مفهومی که در بستر نگاشت میان حوزه‌های مفهومی عمل می‌کند، به تولید معنای جدید در یک فضای ذهنی جدید می‌انجامد؛ در آمیختگی مفهومی می‌توان به فضای ذهنی سوم دست یافت که ضمن سازوکارهای مختلف آمیختگی، معانی تازه‌ای تولید شود که در هیچ یک از فضاهای درون‌داد اولیه به تنهایی یافت نمی‌شود. فرایند چشم‌پوشی تنزیهی با پیراستن جنبه‌های جسمانی مفهوم «خزائن» همراه با سازوکار فشرده‌سازی هستی‌شناختی، به فرافکنی برخی عناصر مشترک (از فضای عام) به فضای آمیخته می‌انجامد؛ بر پایه خوانش علامه طباطبایی در المیزان، این معانی نوظهور نسبت به عناصر موجود در فضای ذهنی «خزائن»، پیراسته و ارتقاء یافته تلقی می‌شوند؛ این پیراستگی و ارتقاء معنا از آن جهت است که برخلاف تمایز ظرف و مطروف در فضای خزائن مادی، میان خزائن الهی با اشیاء، رابطه عینیت برقرار است؛ چراکه رابطه خزائن الهی و اشیاء، رابطه نامحدود و محدود تلقی شده

است؛ حفظ ارتباط پویا میان فضای آمیخته با دو فضای درونداد اولیه سبب می‌شود همچنان بتوان خزائن الهی را واقعاً خزانه‌هایی برای موجودات دانست و در عین حال عینیت ظرف و مظهر را لحاظ نمود.

فهم معنای نوظهور در فضای آمیخته، حاصل نگاشت میان عناصر «اموال و دارایی» و «توزیع اموال» در فضای درونداد اول (فضای «خزائن») به ترتیب با عناصر «موجودات» و «خلقت موجودات» در فضای درونداد دوم (فضای «الهی») است؛ این آمیختگی در پی فرافکنی انتخابی میان فضای ذهنی «خزائن» و فضای ذهنی «الهی» (و نه حوزه مفهومی خدا) در ضمن سازوکارهای فشرده‌سازی و چشم‌پوشی حاصل شده است؛ فضای «الهی» فضایی است که بر اساس حقیقت‌گویی گفتمان قرآنی، قرار است آموزه‌هایی حقیقی درباره‌ی اله و عالم الوهی ارائه دهد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. سوره نحل، آیه ۹۶.
۲. «و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست، و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم» (فولادوند، ۱۴۱۸ق: ۲۶۳).
۳. معناشناسی «خزائن» با تأکید بر رویکرد تاریخ‌نگاره، توسط مؤلفان این مقاله در نوشتاری مستقل موجود است.
۴. مگر ندانستی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست؛ و شما جز خدا سرور و یاورى ندارید؟» (فولادوند، ۱۴۱۸ق: ۱۷).
۵. «بگو: خدا آفریننده هر چیزی است، و اوست یگانه قهار.» (فولادوند، ۱۴۱۸ق: ۲۵۱).

### کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). *جمهره اللغة*، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق)، *تفسیر التحرير و التنویر*، ۶، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- افراشی، آزیتا(۱۳۹۵). *مبانی معناشناسی شناختی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پترسون و دیگران، مایکل(۱۳۸۸)، *عقل و اعتقاد دینی*، تهران: طرح نو.
- جوهری، اسماعیل بن حماد(۱۳۷۶ق)، *الصحاح*، بیروت: دار العلم للملایین.
- درزی، قاسم؛ پاکتچی، احمد؛ فرامرز قراملکی، احد(۱۳۹۵). «الزامات روش شناختی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم»، *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۱۹، ۳۵-۷۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
- زمنخسری، محمود بن عمر(۱۹۷۹م)، *أساس البلاغَة*، بیروت: دار صادر.
- شیبانی، اسحاق بن مرار(۱۹۷۵م)، *کتاب الجیم*، قاهره: هیئته العامه لشئون المطابع الامیریه.
- شیروانی، علی و همکاران (۱۳۹۱)، *مباحثی در کلام جدید*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طباطبایی، محمدحسین(۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، موسوی، محمد باقر، جلد ۱: ۱۱؛ ۲: ۷؛ ۳: ۱۳، چاپ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبری، محمد بن جریر(۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
- عبدالباقی، محمد فؤاد(۱۳۶۴ق)، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قاهره: دارالکتب المصریه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد(۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
- فولادوند، مهدی(۱۴۱۸ق)، *ترجمه قرآن کریم*، ۳، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب(۱۴۱۵ق)، *القاموس المحیط*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قائمی نیا، علیرضا(۱۳۹۰). *معناشناسی شناختی قرآن*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مطیع، مهدی؛ پاکتچی، احمد؛ نامور مطلق، بهمن(۱۳۸۸). «درآمدی بر استفاده از روش های «معناشناسی» در مطالعات قرآنی»، *پژوهش دینی*، شماره ۱۸، ۱۰۵-۱۳۲.
- نیلی پور، مریم(۱۳۹۵). *معناشناسی تقوا در قرآن*، رساله دکترای تخصصی، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
- یگانه، فاطمه(۱۳۹۲). *بررسی استعاره‌های بهشت و جهنم در ترجمه قرآن، انجیل و تورات با رویکرد معنی شناسی شناختی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا(س).

COULSON, Seana(2001), *Semantic Leaps: Frame-shifting and Conceptual Blending in Meaning Construction*, New York and Cambridge: Cambridge University Press.

Fauconnier, Gilles; Mark Turner(2004). "Conceptual Blending, Form, and Meaning" *Cognitive Semiotics*, special issue of *Recherches en Communication*, no. 19,1-30.

Fauconnier, Gilles; Mark Turner(2002). *The way we think: Conceptual Blending and the Mind's Hidden Complexities*, New York: Basic Book.

Robbins, Veron(2007)."conceptual blending and early Christian imagination", *explaining Christian origins and early Judaism*, volume 89, 161-196.